

ایران

در دوره سلطنت قاجار

قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم

علی اصغر شمیم

استاد فقید دانشگاه تهران

فهرست مطالب

| | |
|----|--|
| ۷ | مقدمه |
| ۷ | نظری به گذشته |
| ۸ | جنبه‌های گوناگون نهضت ایالات |
| ۱۱ | فصل اول: قاجاریه در تکاپوی زمامداری |
| ۱۱ | نسب قاجاریه |
| ۱۴ | اشاقه‌باش یا قویونلو |
| ۱۴ | ارتباط سران اشاقه‌باش با شاه طهماسب دوم |
| ۱۵ | نخستین قربانی جاه‌طلبی نادر |
| ۱۷ | محمدحسن خان در طریق کینه‌جویی |
| ۱۹ | فصل دوم: جنبش مسلحانه‌ی ایالات قاجار |
| ۱۹ | نخستین کشمکش خان‌ها یا زورآزمایی ایلات زند و قاجار |
| ۲۰ | فتح اصفهان |
| ۲۱ | جنگ سوم با خان زند |
| ۲۲ | نتیجه‌ی سیاست ملایم کریمخان نسبت به قاجاریه |
| ۲۳ | نخستین پادشاه بی‌تاج و تخت قاجار |
| ۲۳ | فرصت مناسب برای قاجاریه |
| ۲۵ | فصل سوم: تشکیل دولت قاجار |
| ۲۵ | زد و خورد با جانشینان کریمخان |

| | |
|--|----|
| کوشش‌های اولیه‌ی آغا محمدخان..... | ۲۶ |
| زور آزمایی دو حریف..... | ۲۶ |
| جنگ اول..... | ۲۷ |
| جنگ دوم..... | ۲۸ |
| فاجعه‌ی کرمان..... | ۲۹ |
| لشکرکشی به قفقازیه..... | ۳۰ |
| فتح تفلیس..... | ۳۱ |
| تاجگذاری آغامحمدخان..... | ۳۲ |
| فصل چهارم : دوره‌ی اول سلطنت قاجاریه | |
| لشکرکشی آغامحمدخان به خراسان..... | ۳۳ |
| محاربات قفقازیه..... | ۳۴ |
| صفات شخصی و سیاست آغامحمد خان..... | ۳۵ |
| خصایص عصر فتحعلی‌شاه..... | ۳۶ |
| وقایع مهم داخلی خراسان و هرات..... | ۳۹ |
| طغیان‌های داخلی..... | ۴۰ |
| | ۴۲ |
| فصل پنجم : روابط ایران با فرانسه و انگلیس | |
| مقدمه..... | ۴۵ |
| روابط ایران و فرانسه..... | ۴۵ |
| آغاز روابط..... | ۴۷ |
| عهدنامه‌ی فین کن‌اشتاین..... | ۴۷ |
| سفارت سرتیپ گاردان..... | ۴۹ |
| ورود هیئت اعزامی..... | ۵۰ |
| عملیات هیئت نظامی در ایران..... | ۵۱ |
| عدم کامیابی گاردان و علل آن..... | ۵۱ |
| روابط ایران و انگلستان..... | ۵۲ |
| آغاز روابط..... | ۵۵ |
| قتل سفیر ایران در هند..... | ۵۵ |
| | ۵۷ |

| | |
|--|-----|
| قطع روابط..... | ۵۸ |
| سفارت هار فور د..... | ۶۰ |
| سفارت ایران در انگلستان..... | ۶۲ |
| مأموریت سوم سر جان ملکم در ایران..... | ۶۳ |
| مراجعت سفیر ایران با سفیر جدید انگلیس..... | ۶۴ |
| عهدنامه ایران و انگلیس..... | ۶۵ |
| فصل ششم : روابط ایران با روسیه | |
| علت جنگ..... | ۶۹ |
| وضع سیاسی گجستان..... | ۶۹ |
| تعرض نیروی روس به گنجه..... | ۷۰ |
| جنگ‌های سال ۱۲۱۹ (شوره‌گول - ایروان)..... | ۷۲ |
| نبردهای عسکران و گنجه و بادکوبه..... | ۷۲ |
| جنگ‌های سال‌های ۱۲۲۲ - ۱۲۲۸ هجری قمری..... | ۷۴ |
| دوره‌ی دوم جنگ‌های ایران و روس..... | ۷۵ |
| مبادله‌ی سفرا و علت جنگ..... | ۷۸ |
| سفارت پرنس منچیکف..... | ۷۸ |
| جنگ دوم..... | ۸۲ |
| پیشروی قوای روس به سوی پایتخت..... | ۸۴ |
| عهدنامه‌ی ترکمانچای..... | ۸۵ |
| سفارت گریبایدوف..... | ۸۶ |
| | ۸۹ |
| فصل هفتم : روابط ایران و عثمانی | |
| موضوع مشاهد متبرکه..... | ۹۷ |
| مسئله‌ی حکمرانی سلیمانیه..... | ۹۷ |
| جنگ مریوان..... | ۹۸ |
| تعرض قوای ایران به بغداد..... | ۹۹ |
| عملیات دامنه‌دار نظامی در سرحدات غرب..... | ۱۰۱ |
| جنگ توپراق قلعه..... | ۱۰۲ |
| | ۱۰۴ |

| | |
|-----|--|
| ۳۱۶ | چگونگی اعطای مناصب |
| ۳۲۰ | وزارت امور خارجه |
| ۳۲۵ | وزارت مالیه و عواید دولت |
| ۳۲۶ | مالیات اراضی مزروعی |
| ۳۲۶ | مالیات بر احتشام و غنایم |
| ۳۲۶ | مالیات بر کسبه |
| ۳۲۶ | مالیات معادن |
| ۳۳۴ | وزارت علوم و تلگراف و معادن |
| ۳۳۷ | وزارت عدلیه‌ی اعظم |
| ۳۴۱ | فصل شانزدهم: تمدن ایران در دوره‌ی قاجاریه |
| ۳۴۱ | اوضاع اجتماعی |
| ۳۴۱ | جامعه |
| ۳۴۶ | تربیت و اخلاق عمومی |
| ۳۴۸ | معتقدات عمومی |
| ۳۵۰ | گروه‌ها و اصناف |
| ۳۵۵ | اوضاع اقتصادی |
| ۳۵۵ | کشاورزی |
| ۳۵۷ | صنایع |
| ۳۵۹ | بازرگانی |
| ۳۶۱ | واردات و صادرات |
| ۳۶۳ | پول و نقش بانک‌ها در اقتصاد ایران |
| ۳۷۰ | راه‌ها و وسایل نقلیه |
| ۳۷۲ | اوضاع فرهنگی |
| ۳۷۲ | مقدمه |
| ۳۷۳ | ۱- علوم |
| ۳۷۴ | علوم اجتماعی |
| ۳۷۷ | احوال رجال و تذکره‌ها |
| ۳۸۰ | سفر دیلم |

| | |
|-----|--|
| ۳۸۷ | نثرنویسان |
| ۳۹۰ | ۳- نمایش و موسیقی |
| ۴۰۳ | فصل هفدهم: انقلاب آرام و تغییر رژیم سیاسی |
| ۴۰۳ | اهمیت و ارزش انقلاب |
| ۴۰۴ | علل و عوامل انقلاب |
| ۴۰۴ | آثار نویسندگان داخلی |
| ۴۱۰ | آثار نویسندگان انگلیسی |
| ۴۱۴ | آثار نویسندگان روسی |
| ۴۲۴ | جریان انقلاب آرام |
| ۴۲۴ | صدارت عین‌الدوله |
| ۴۲۵ | نخستین جریان نهضت انقلابی |
| ۴۲۶ | میانجی‌گری سفیر عثمانی |
| ۴۲۷ | فرمان تأسیس عدالتخانه |
| ۴۲۸ | دومین مرحله‌ی نهضت |
| ۴۳۳ | مرحله‌ی نهایی انقلاب آرام |
| ۴۳۷ | تدارک نظامنامه انتخابات |
| ۴۴۰ | قانون اساسی مشروطه |
| ۴۴۳ | فصل هجدهم: سلطنت محمدعلی شاه |
| ۴۴۳ | انقلاب بزرگ |
| ۴۴۳ | نخستین سال حکومت مشروطه |
| ۴۴۳ | جلوس محمدعلی شاه |
| ۴۴۵ | فعالیت مجلس |
| ۴۴۸ | متمم قانون اساسی |
| ۴۵۵ | بازگشت امین‌السلطان اتابک، به ایران |
| ۴۵۵ | چنایت روس و انگلیس |
| ۴۶۳ | گفته شدن اتابک |
| ۴۶۷ | انقلاب بزرگ |

| | |
|---|-----|
| نقش مطبوعات..... | ۴۶۷ |
| کمیتہ‌ی انقلاب ملی..... | ۴۷۱ |
| وضع مرزهای کشور..... | ۴۷۲ |
| توطئه‌ی محمدعلی شاه علیه مشروطه..... | ۴۷۴ |
| باغشاه و بهارستان..... | ۴۸۰ |
| اسدالله خان جهانگیر..... | ۴۸۶ |
| فجایع باغشاه و پناهندگی..... | ۴۸۸ |
| دوره‌ی کوتاه کامروایی شاه..... | ۴۹۲ |
| تبریز «شهر قهرمان»..... | ۴۹۴ |
| همکاری با آزادی خواهان از خارج..... | ۴۹۷ |
| پیمان شکنی محمدعلی شاه..... | ۵۰۰ |
| پیروزی نهایی..... | ۵۰۵ |
| ماهیت انقلاب ایران..... | ۵۰۸ |
| فصل نوزدهم: سلطنت احمدشاه قاجار..... | |
| دولت جدید..... | ۵۱۱ |
| مجلس دوم و احزاب..... | ۵۱۴ |
| آشفتگی سیاسی و ترور..... | ۵۱۷ |
| آخرین تلاش محمدعلی میرزا..... | ۵۲۱ |
| وضع مالی و سیاسی کشور..... | ۵۲۴ |
| وام و مساعده‌ی جدید..... | ۵۲۷ |
| تاجگذاری شاه و مجلس سوم و احزاب..... | ۵۲۹ |
| ایران در جنگ جهانی اول..... | ۵۳۱ |
| مقدمه..... | ۵۳۱ |
| هشت ماه بحران سیاسی..... | ۵۳۲ |
| نقش مردم ایران در جنگ جهانی اول..... | ۵۳۳ |
| مهاجرت و احزاب..... | ۵۳۵ |
| دولت ملی..... | ۵۳۷ |
| نفت جنوب..... | ۵۳۸ |

| | |
|---|-----|
| انقلاب روسیه..... | ۵۴۵ |
| از سال ۱۳۶۶ تا ربیع‌الثانی سال ۱۳۳۹ قمری..... | ۵۵۰ |
| دولت و نهضت جنوب..... | ۵۵۰ |
| احزاب و مجلس چهارم..... | ۵۵۴ |
| نفت شمال..... | ۵۵۸ |
| قرارداد سال ۱۹۱۹ میلادی برابر با سال ۱۳۳۷ قمری..... | ۵۶۱ |
| نفت جنوب..... | ۵۶۷ |
| فصل بیستم: از کودتا تا انقراض قاجاریه قسمت دوم سلطنت احمد شاه..... | |
| وقایع سال‌های ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ قمری..... | ۵۷۱ |
| نماینده‌ی ایران در کنفرانس صلح پاریس..... | ۵۷۱ |
| روابط ایران و روسیه..... | ۵۷۲ |
| سرکمیسر و کمیسر جنگ، میرزا کوچک..... | ۵۷۶ |
| خیابانی و آزادیستان..... | ۵۷۷ |
| از کودتای سال ۱۲۹۹ تا آبان ماه سال ۱۳۰۴ شمسی..... | ۵۸۲ |
| کابینه‌ی مشیرالدوله..... | ۵۸۲ |
| کابینه‌ی فتح‌الله اکبر (سپهدار)..... | ۵۸۳ |
| کودتای سوم حوت (اسفند) سال ۱۲۹۹..... | ۵۸۴ |
| کابینه‌ی سید ضیاء‌الدین..... | ۵۸۸ |
| قرارداد ایران و شوروی..... | ۵۹۰ |
| اقدامات سید ضیاء‌الدین و سقوط کابینه‌ی او..... | ۵۹۳ |
| کابینه‌ی قوام‌السلطنه..... | ۵۹۶ |
| پایان کار میرزا کوچک‌خان..... | ۵۹۸ |
| قیام پسیان و پایان کار او..... | ۶۰۰ |
| نفت شمال و آمریکایی‌ها..... | ۶۰۴ |
| کابینه‌ی مشیرالدوله..... | ۶۱۰ |
| کابینه‌ی قوام‌السلطنه..... | ۶۱۳ |
| کابینه‌ی مستوفی‌الممالک..... | ۶۱۴ |
| کابینه‌ی اول سردار سپه..... | ۶۱۵ |

مقدمه

«ایلات و عشایر ایران قرن‌ها از عوامل مهم و مؤثر

تحولات سیاسی و اجتماعی بوده‌اند»

نظری به گذشته

حمله مغول که از سال ۶۱۴ هجری قمری آغاز گردید و به سقوط دولت خوارزمشاهی و برقراری سلطه مغول در سراسر ایران پایان یافت، عنصر جدیدی در تشکیلات طبقات ایران به وجود آورد و این عنصر تازه که با حفظ آداب و رسوم خویش همواره وجه امتیاز خود را با طبقات شهرنشین و حتی دهنشین ایران محفوظ داشت، عنصر ایلات بود.

چگونگی ایلغار مغول و شرح خسارات مادی و تلفات و ضایعات انسانی و اثرات روحی و معنوی آن واقعه‌ی جانگداز که از حوادث شگفت‌انگیز تاریخ حیات اجتماعی و سیاسی ملت ماست، از حدود بحث ما خارج است و همکاران گرامی و دانشمند نگارنده در کتاب‌های دیگر این مسائل را مورد تحقیق و بحث کامل قرار داده‌اند و بر هر فرد ایرانی لازم است که این مقال را مورد تحقیق و بحث کامل قرار داده‌اند و بر هر فرد ایرانی لازم است که این مقال را به دقت مطالعه کند. اما آنچه در این مورد تذکر آن ضروری به نظر می‌رسد و برای پیوستن سلسله‌ی تاریخ گذشته به تاریخی که آغاز می‌کنیم، کمال لزوم را دارد، این است که چگونه عنصر جدید یعنی عنصر ایلات در کار ساختمان اجتماعی و تحولات سیاسی و مبارزه‌های طبقاتی ایران وارد شد و تا چه حد وجود این عامل جدید در سرنوشت ملت ایران مؤثر بود و برای بیان این مطلب ناگزیر باید به نکات زیر توجه نماییم:

۱- در حال حاضر که قرن‌ها از تاریخ حمله‌ی مغول و آغاز زندگی ایلات گذشته، زندگانی یک ایل یا عشیره با وجود ترقیات اجتماعی که در اصول زندگی مردم حاصل شده با آنچه که در چند قرن پیش از این بوده تغییری نکرده است. امروز ایل قشقایی اصول نقل و انتقال زمستانی و تابستانی یعنی قشلاق و ییلاق را که درست منطبق با روحیه و امتیازات خاص زندگی ساده ایلات و عشایر است کاملاً رعایت می‌کند و اگر بگوییم که حتی در طرز فکر و عقاید افراد این ایل با آنچه در چهار قرن پیش داشته تغییر محسوسی حاصل نشده است، اغراق نگفته‌ایم. این رکورد فکری و اجتماعی ایلات ایران نتیجه‌ی یک سلسله مقتضیات جغرافیایی محل مسکونی آنان و خود این رکود یکی از عوامل مؤثر در وضع اجتماعی و سیاسی ملت ایران بوده و در این کتاب نتایج و آثار این عوامل مهم تشریح خواهد شد. منظور این است که در میان طبقات اجتماعی کشور ما بعد از ایلغار مغول طبقه‌ی ممتاز جدیدی تحت عنوان ایل به وجود آمد که نه

| | |
|-----|---------------------------------|
| ۶۱۷ | کابینه‌ی دوم سردار سپه و جمهوری |
| ۶۱۹ | اعطای اختیارات به سردار سپه |
| ۶۲۰ | نفت کویر خوریان |
| ۶۲۱ | انقراض دولت قاجار |
| ۶۳۲ | فهرست اعلام |
| ۶۵۰ | فهرست منابع |

قفقازیه و دشت‌های شمالی دریای خزر و ترکستان غربی و آذربایجان و آسیای صغیر و شامات و فلسطین حکومت‌هایی برای خود تشکیل دادند که بعضی از آن‌ها مانند حکومت آل‌عثمان قدرت یافت و به تدریج به امپراتوری مقتدری مبدل شد.

رواج زبان ترکی در آذربایجان و قفقازیه نشان می‌دهد که در تمام دوره سلطنت جانشینان تیمور در ایران و آسیای غربی، این ناحیه مرکز ثقل حکومت بوده و قدر مسلم این است که آذربایجان یکی از بزرگ‌ترین اردوگاه‌ها و مهمترین منبع ذخیره‌ی نظامی و محل تمرکز نیروهای مختلف به‌شمار می‌آمده و جانشینان تیمور تا زمانی که هنوز آثار تجزیه در امپراتوری آنان ظهور نکرده بود، توجه خاصی به این قسمت از متصرفات خود داشتند و این امر قبایلی را که در این ناحیه ساکن بودند خواه ناخواه در مسیر جزر و مدّ حوادث سیاسی و کشمکش‌های نظامی قرار داد و اولین آثار تجزیه‌ی دولت تیموری از این منطقه ظهور کرد و ترکمانان آق قویونلو و قراقویونلو تمام کوشش و نیروی خود را برای تسلط بر آذربایجان قفقازیه به‌کار انداختند و اندکی بعد قدرت‌های نظامی قابل ملاحظه‌ای از اجتماع قبایل تاتار و ترک در ترکستان غربی و دشت‌های جنوب روسیه و شمال قفقازیه به‌وجود آمد که برای نفوذ به خاک ایران، سلاطین صفویه را در فشار قرار داده و موجب جنگ‌های خونین و کشمکش‌های دائمی گردیدند.

ترکمانان آق قویونلو که در آذربایجان مدتی حکومت کردند و می‌توان گفت که پایه‌ی اصلی نیروی صفویه را در اوایل کار بنا نهادند، نام خود را به دسته‌ای از ترکمانان داده‌اند که چند قرن بعد با عنوان قاجاریه^(۱) در عرصه‌ی سیاست ایران ظاهر شده‌اند و اگر قاجاریه را نتوانیم به علت طول زمان از بازماندگان ترکمانان آق قویونلو بدانیم، باز این نکته مسلم است که قاجاریه به ترکمان بودن خود مباهات می‌کرده‌اند و به همین دلیل حتی پس از آن‌که تاج و تخت سلطنت ایران را قبضه کردند، القاب و عناوین قویونلو و دولو را که معرف زندگانی ساده‌ی شبانی آنان در ادوار قبل از دوره‌ی فرمانروایی بوده است، همچنان برای خود حفظ کردند^(۲). از اشاراتی که در بعضی از اسناد تاریخی است، چنین برمی‌آید که در دوره‌ی صفویه،

۱- درباره‌ی اصطلاح قاجاریه در فصول آینده بحث خواهد شد.

۲- پوشیده نماند که اصیل ایل جلیل قاجاریه به ترك بن یافت بن نوح(ع) می‌پیوندند و قاجار طایفه‌ای از طوایف و قبیله‌ای از قبایل ترکند و گفته‌اند که چون از اولاد قاجار نویان بن سرقان نویان بن سبابانویان بن جلایر بن نیرون بوده‌اند به نام جد اعلی شهرت نموده‌اند. (روضه‌الصفاء، تألیف هدایت، جلد نهم). سرتاق نویان به نقل نواسخ‌التواریخ از بزرگان درگاه و از سرهنگان سپاه هلاکوخان مغول بوده است.

شاید به علت آنکه سلاطین اولیه‌ی آن سلسله از طرف مادر قرابتی با ترکمانان داشتند، ترکمانان ساکن حوالی رود ارس برای مرزبانی و دفاع از خاک ایران در برابر یورش‌ها و دستبردهای ازبکان به استرآباد (گرگان امروز) کوچانده شده‌اند و این انتقال خود دلیل بارزی است بر اینکه ایل مزبور هنوز قدرت جنگجویی و خوی سپاهی‌گری را حفظ کرده و می‌توانسته است در برابر فشار ازبکان و ترکمانان ساکن ترکستان غربی مقاومت کند.

ایل قاجار در دوران پادشاهی صفویه غالباً به تعهداتی که درباره‌ی حفظ سرحدات ایران داشتند، عمل می‌کردند و نسبت به دربار صفویه وفادار بودند و در این دوره نهضت یا شورش‌هایی که جنبه‌ی قیام علیه دولت مرکزی ایران داشته باشد، از این ایل دیده نشد و در اکثر جنگ‌های بزرگ در این دوره که به تناوب میان قوای ایران و نیروهای عثمانی و ازبک در مشرق و مغرب ایران روی می‌داد، سران و عده‌ای از زبندگان ایل قاجار شرکت داشتند. علت و سبب این آرامش و انقیاد قاجاریه را در این دوره می‌توان یکی قرابت نژادی این ایل با سلاطین اولیه صفویه و دیگر بروز اختلاف و دو دستگی در میان سران ایل دانست.

هنگامی که ترکمانان قاجار مأمور حفظ سرحدات ایران در گرگان و دشت شدند، به حکم ضرورت زندگی شبانی دشت‌های کنار رود گرگان و اترک را برای سکونت خویش اختیار کردند تا هم سرزمینی مشابه مسکن سابق خود داشته باشند و هم از مراتع و مرغزارهای کنار اترک و گرگان استفاده کنند. کوخ‌های ایلیاتی تیره‌ها و قبایل قاجار، در طول دره‌ی رود گرگان برپا شد و پس از مدتی که تاریخ قطعی آن را نمی‌توان معین کرد، از لحاظ محل سکونت میان دستجات ایل اختلافاتی روی داد و سران و کلانتران ایل، حد فاصلی برای حوزه‌ی سکونت و پراکندگی احشام و اغنام قبایل تعیین کردند که جریان رود گرگان شاخص آن بود. بدین ترتیب عده‌ای از قبایل قاجار در حوضه علیای رود گرگان و عده‌ی دیگر در حوضه‌ی سفلی آن رود ساکن و در آن زمان دسته‌ی اول به یوخاری باش و دسته‌ی دوم به اشاقه‌باش^(۱) که دو اصطلاح ترکی است، مشهور و بعدها دسته یوخاری باش به دولو و قبیله‌ی اشاقه‌باش به قویونلو^(۲)

۱- در زبان ترکی یوخاری به معنی سمت بالا و اشاقه به معنای سمت پائین است و این دو اصطلاح معرف حوزه‌ی سکونت اولیه قاجاریه در استرآباد و گرگان بوده است.

۲- ایل قاجار صفات ساده‌ی ایلیاتی خود را همچنان حفظ کرده بود و در دشت گرگان با کلیه‌ی احشام و اغنام خود زندگی می‌کرد. اصطلاح دولو و قویونلو معرف گوشه‌ای از زندگی این ایل است زیرا دو به معنای شتر و گاوین به معنی گوسفند است و می‌توان گفت قبایل دولو بیشتر به شترداری و دستجات قویونلو اکثراً به پرورش گوسفند روزگار می‌گذارند.